حزب توده ایران
به دلیل این نظرات گردن زده شد

ماهیت انقلاب 57
با سلطه ارتجاع مذهبی
هرگز دگرگون نخواهد شد

اشاره- آنچه را در زیر می خوانید از مجموعه "نظری به سیر انقلاب کشور ما" که در شهریورماه 1361 گردآور و در تهران منتشر شد برگرفته شده است. دو محور اساسی برای گزیده زیر مورد نظر بوده است، "قانون" و "بی قانونی" در جمهوری اسلامی"، "نقش ارتجاع مذهبی در جمهوری اسلامی"، "خطر ارتجاع مذهبی برای انقلاب 57" و "نقش ارتجاع در به شکست کشاندن انقلاب". یعنی درست همان نکات گرهی که بحث امروز درایران است. بحثی و کشاکشی 27 ساله. بسیاری از نیروهای سیاسی انقلاب که همچنان در میدان هستند فراموش کرده اند و نسل جدیدی که به میدان در آمده بکلی نمی داند حزب توده ایران در سالهای اول انقلاب چه گفت و به چه جرمی چنان قتل عامی از آن کردند. امروز با بهره گیری از هر امکان و ارتباطی که وجود دارد باید نسل جدید کشور را که اتفاقا گرایش به چپ در آن رشد کرده، با آن کوشش و جان باختگی حزب توده ایران آشنا ساخت تا هم بداند حزب توده چه گفت و درباره انقلاب چگونه می اندیشید و هم بداند که امروز با استفاده از آن تجربه چه باید بکند و چگونه در صحنه حضور خود را حفظ کند. دفتر چهار سال اول بنای جمهوری اسلامی را باید گشود و از سد سانسور و فیلتر و ممنوعیت ها همانگونه گذشت که از سد فراموشی ها.

انقلاب ایران، انقلابی است واقعی، خلقی و برجوشیده از ژرفای ده و شهر ایران، از نوع انقلابات رهائی بخش ضد امپریالیستی.

حتی اگر انقلاب ایران، سرانجام "مسخ شود" یا شکست بخورد و بدست دژخیمان ارتجاعی و امپریالیستی در خون غرق گردد - احتمالی که بطور عینی محتمل است- این توصیف از انقلاب اعتبار و قوت علمی خود را حفظ میکند. انقلاب میتواند شکست بخورد، ولی شکست، خصلت انقلاب را آنچنان که بود و هست دگرگون نمی سازد و نمی توان گفت: "دیدی ما می گفتیم!"

وجود خطوط مختلف در این انقلاب، نبرد گاه پنهان و گاه آشکار این خطوط با هم، تلاش آنها برای خنثی گذاشتن عمل یکدیگر و در نتیجه درجا زدن انقلاب، برخی را گیج کرده است. ما در این نوشته می خواهیم از انقلابی نماها سخن بگوئیم. آنها که مواضع مهمی را در دولت و نهادهای آن، در ارتش و سپاه و در دیگر نهادهای انقلابی در دست دارند و در سیاست خارجی، داخلی، اقتصادی و فرهنگی رخنه کرده اند و دارای نظریات خاص خود در جهت حفظ بهره کشی و غارت گری هستند. اعضای این خط هر نامی که روی آن بگذارید عملا "جبهه متحد نیروهای ضد انقلاب" ی هستند که با دکوراسیون مذهبی وارد میدان شده اند و می خواهند ثابت کنند که انقلاب به زیان بهره کشان، شرعی نیست!

در یك کلمه، این خط، در این لحظات که این سطور نوشته می شود، به پیروزی نهائی خود اگر کاملا مطمئن هم نباشد، باور دارد و این تهدیدی است برای انقلاب و انقلابیون راستین.

این مبارزه یکی از بغرنج ترین و خطرناك ترین مراحل مبارزه "که بر که" در انقلاب 57 است. مبارزه ای که در همه انقلاب ها تا حل نهائی خود از مراحل متعدد و بسیار دشواری می گذرد و فضای پر بیم و امیدی را بوجود می آورد. نمی توان حل مساله را خیلی آسان گرفت. برای عده ای از مردم ایران که غالبا در اثر تحلیل های سرسری و با بکار بردن اصطلاحات مبهمی مانند "حکومت اینها"، "حکومت آخوندها" همه را به یك چوب می رانند، درك منظره مغشوش کنونی محال است.
این خط که ماهیتا ضد انقلابی است، از این گیجی برای سرخورده کردن و دلسرد ساختن مردم از انقلاب استفاده می کند و استفاده هم کرده است. در واقع اگر سرانجام گرفتن این نبرد بطول انجامد، بر درجه سردرگمی و دلسردی عمومی بحد خطرناکی افزوده خواهد شد. امید است مبارزه دو خط به آن درجه از وضوح و خوانائی برسد که مردم حساب "خط انقلاب" را از مغلطه های ارتجاعی "خط دوم" که در پوشش مذهب و احکام قرآنی و تفسیرهای فقهی صورت می گیرد، جدا کنند و بدانند که در ایران انقلاب نشده است که مثلا " دست لخت مردان را در روزهای گرم تابستان در سطل رنگ غوطه ور سازند" و یا بر در و دیوار شهر "مرگ بر بد حجاب!" بنویسند و جلوی لوایح خلقی مانند ملی کردن بازرگانی خارجی و اصلاحات ارضی و غیره را سد کنند و افکار عمومی را علیه انقلاب برانگیزند. (/تیرماه 1361)

فاجعه "بی قانونی"

اشاره- برای آنکه دقیق تر دانسته شود، آنچه امروز در جامعه ایران می گذرد چگونه ریشه در گذشته دارد و حزب توده ایران در سال های اول پیروزی انقلاب با چه دانش تئوریك و درك عمیق سیاسی رویدادهای ایران را ارزیابی و پیش بینی کرد، گزیده زیر را می آوریم.

آنچه هم برای تداوم انقلاب و هم برای مردم تحمل ناپذیراست، آن است که "بی قانونی"، قانون انقلاب شود، دوران گذار به درازا کشد، آن چه "موقت" باید باشد، جنبه "دائم" به خود بگیرد.
* قانون اساسی جمهوری اسلامی فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده را قانونی می شناسد، به شرط آن که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.
* قانون اساسی می گوید {نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد.} اما به عیان می بینیم که نشریات احزاب وفادار به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بدون هیچ دلیل قانونی و حتی بدون طی مراحل قانونی توقیف شده اند.
* قانون اساسی جمهوری اسلامی ایجاد امنیت قضائی را از وظائف حتمی دولت جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. اما دست هائی با اقدامات خود "امنیت قضائی" مردم مومن به انقلاب را متزلزل می کنند.
* قانون اساسی بازرگانی خارجی را دولتی اعلام کرده است، اما سه سال است که در این راه کارشکنی می شود، زیرا شورای نگهبان مهمترین اصول آن را مخالف موازین شرع تشخیص داده و قانون اساسی از نظر تطابق آن با احکام شرع زیر علامت سئوال قرار گرفته است.

* "جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری" از اصول قانون اساسی است، ولی کسانی نه فقط استثمار را بد نمی دانند، بلکه کارگر را اجیر کارفرما می خوانند.
انقلاب فقط در سایه اجرای قانون و با شناختن حقوق تمامی شهروندانی که به نظام جمهوری اسلامی وفادارند، می تواند خود را تحکیم و تثبیت کند.

از سوی برخی عناصر برای توجیه قانون شکنی ها چنین استدلال می شود که: اگرقانون اجرا نشد، مهم نیست، نظم اجرا شد. زیرا بدون نظم هیچ کاری از پیش نمی رود. این استدلال مخدوش است، نظمی که متکی به قانون نباشد، زورگوئی است و با زور نمی توان جامعه را در روندی سالم اداره کرد. یك نظام عادلانه و مردمی که حمایت توده های زحمتکش را پشتوانه دارد، نیاز به زورگوئی ندارد. کافی است که به قانون تکیه کند تا مشکلات را گام به گام از پیش پا بردارد. (شهریور 1361)